

## بررسی و تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری مناظرات شیعیان در عصر ائمه علیهم‌السلام

مرتضی امامی \*

محمدجواد یآوری سرتختی \*\*

### چکیده

مناظره یکی از شیوه‌های بحث و گفتگو به منظور تبیین اندیشه‌ها و عقاید و دفاع از آنها و نیز مبارزه با افکار و عقاید مخالف موجود در جامعه است؛ شیعیان امامیه با بهره‌وری از این روش که مورد تأیید اهل بیت علیهم‌السلام بود به این مهم اهتمام می‌ورزیدند. در این پژوهش تلاش بر آن است تا با توجه به شرایط موجود عصر ائمه علیهم‌السلام و همزمان با قدرت خلفا و حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌عبّاس، به بررسی زمینه‌هایی که سبب شد تا شیعیان حضوری فعال در مناظرات خود با مخالفان سیاسی، فکری و اعتقادی داشته باشند پرداخته شود. شاید نتوان تمام این عوامل را شمارش نمود اما به نظر می‌رسد از جمله مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این مناظرات عواملی همچون تحریف اندیشه‌ها و مبانی سیاسی اسلام، تغییر و انحراف در معارف دینی و اعتقادی بوده و همزمان با آن، رشد و ترویج افکار و اعتقادات باطل در جوامع اسلامی، نقش اساسی داشته است. علمای شیعی در مقابل این عوامل احساس خطر کرده و با تشویق ائمه علیهم‌السلام و حمایت‌های فکری ایشان به دفاع علمی به شیوه مکتوب و یا حضوری از اعتقادات دینی پرداخته‌اند.

### واژگان کلیدی

شیعه امامیه، مناظره، زمینه‌های مناظره، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کلامی و فرهنگی، خلافت

E-mail: emami31772@gmail.com

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد

\*\* کارشناس ارشد تاریخ تشیع مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و دانش آموخته حوزه علمیه قم

E-mail: javadyavari@yahoo.com



## مقدمه

روشن است که مذهب شیعه با محوریت امامت که از شاخصه‌های اساسی آن است همواره به نوعی مورد توجه دیگر مکاتب و جوامع بوده است. این مذهب علاوه بر داشتن تاریخی استوار به سبب داشتن عقیده شهادت و ظلم‌ستیزی و قرار گرفتن در مقابل ظلم و افشای ماهیت آن دارای چهره‌های شاخص تأثیرگذار نیز هست. این دو ویژگی سبب شده تا دشمنان به تخریب آن پردازند. شیعیان با دقت کامل به این نکته که تحریف و تخریب تاریخ درخشان شیعه را تیره و انحراف را عمیق‌تر می‌کند به شیوه‌های گوناگون به مبارزه با این جریان‌ها پرداختند. یکی از این شیوه‌ها استفاده از ابزار مناظره بود.

مناظره، چه به صورت مکتوب و با نگارش ردیه‌ها و چه حضوری و به صورت گفتگوی متقابل، روشی است که از آن در بحث‌های علمی و اجتماعی و... برای کشف حقایق استفاده می‌شود. در ارائه تحلیلی صحیح از مناظرات شیعیان، بررسی «زمینه‌های»<sup>۱</sup> شکل‌گیری، و این که چه رویداد مهمی منجر به چنین رفتاری گردیده مهم‌ترین مسأله است. در این نوشتار به بررسی زمینه‌های این مناظرات می‌پردازیم تا روشن شود چه نوع عقایدی از شیعیان در عصر ائمه علیهم‌السلام مورد تهاجم فکری و رفتار سیاسی مخالفان و منحرفان قرار گرفته و شیعیان به ناچار به دفاع از آن پرداخته‌اند.

به هر حال صدر اسلام را می‌توان سرشار از حوادث مهم سیاسی و تأثیرگذار در قرون بعدی دانست. از جمله این حوادث اختلاف برانگیز، عبارتند از: اختلاف درباره جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حوادث پیرامون آن و مباحثی چون جایگاه معنوی خلیفه، وجوب اطاعت از امام، اختلاف در شورای شش نفره منتخب خلیفه دوم، شورش علیه عثمان، جنگ‌های عصر امام علی علیه‌السلام و سرکشی ناکثان، قاسطان و مارقان و بعد از آن مطلق العنان شدن حزب اموی به سرکردگی معاویه و در نهایت صلح امام حسن علیه‌السلام و شهادت امام حسین علیه‌السلام.



و رخدادهای سیاسی و نظامی ناشی از آن با شکل‌گیری قیام‌های علویان در مقابل امویان و دیگر عواملی که موجب بروز زمینه مناظرات و همچنین موضوعات آن شد.

### الف. زمینه‌های سیاسی

اولین اختلاف سیاسی میان مسلمانان، پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ماجرای «سقیفه بنی ساعده» روی داد. این رویداد خود نیز منجر به پیدایش دیگر انحرافات سیاسی گردید و حاکمان «بنی‌امیه» و «بنی‌عبّاس» را روی کار آورد. با تثبیت حکومت «ابوبکر» در سقیفه؛ یعنی همان روزی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وفات کرد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۲) بیعت‌گیری از مردم و مخالفان قدرت وی، به شدت دنبال شد چنان‌که در خصوص بیعت سعدبن عباده که گفت: من بیعت نخواهم کرد تا نزد خدای خود بروم، آمده است که عمر گفت: «ما او را آزاد نمی‌گذاریم تا بیعت کند» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۳۲۵).

علاوه بر این اعمال فشار در بیعت‌گیری که نمودی عینی داشت، دیگران نیز با طراحی عمر به تثبیت خلافت ابوبکر کمک کردند. طبری نقل می‌کند: وقتی طایفه «آسلم» خود را به جماعت رساندند و با ابوبکر بیعت کردند. «عمر» گوید: «وقتی اسلمیان را دیدم به پیروزی اطمینان یافتم» (طبری، ۱۳۸۷ ش، ج ۳، ص ۲۲۲).

در روز بعد، بیعت عمومی در مسجد تجدید شد (همان). به گزارش «یعقوبی» و برخی مورخان، در جریان بیعت گرفتن از مردم عده‌ای از مهاجران و انصار از بیعت با ابوبکر سرباز زدند و به علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام پیوستند. آنها «عباس بن عبدالمطلب»، «فضل بن عباس»، «زبیر بن عوام بن عاص»، «خالد بن سعید»، «مقداد بن عمرو»، «سلمان فارسی»، «ابوذر غفاری»، «عمار بن یاسر»، «براء بن عازب» و «ابی بن کعب» بودند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۴).



بنی‌هاشم و مخالفین دستگاه خلافت، از لحاظ اعتقادی بر آن بودند که خلافت، حقّ علی بن ابی طالب است؛ زیرا او علاوه بر آن که پسر عموی پیامبر ﷺ است، شوهر دخترش فاطمه ﷺ است، همچنین او اولین جوانی بود که اسلام آورد و براساس رویداد تاریخی غدیر، ولایت، امامت و خلافت بر مردم بر پایه نصّ الهی از سوی پیامبر ﷺ حق اوست. از این رو بنی‌هاشم و علی ﷺ به رغم بیعت مردم با ابوبکر در سقیفه، از بیعت خودداری کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۳۱؛ المسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۴). و بدین صورت اولین انشعاب میان مسلمانان به وجود آمد.

تغییر روند انتخاب امامت امت در سقیفه، که بنا بر گفته عمر انتخابی ناگهانی بود، (البلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۹۱) سبب گردید تا امام علی ﷺ ابتدا خود به دفاع از حقوق از دست رفته خویش پردازد. ایشان خطاب به کسانی که در این امر مشارکت داشتند فرمودند:

ای عمر شیری را بدوش که نصف آن از آن تو باشد. امروز تو کار او را محکم کن که فردا وی آن را به تو باز گرداند، نه به خدا سوگند سخت را نمی‌پذیرم و با او بیعت نخواهم کرد. ابو بکر گفت: اگر بیعت نمی‌کنی تو را مجبور نمی‌کنم. ابوعبیده گفت: ای ابوالحسن ﷺ تو اکنون جوانی و این‌ها سالمندان قوم تو و قریش هستند و تجربه و کار آزمودگی که آنها دارند تو نداری، و ابو بکر از تو برای این کار نیرومندتر و تحملش بیشتر است، تو اینک آن را بدو واگذار کن و رضایت بده و اگر زنده ماندی تو بر این کار شایسته هستی و از نظر فضیلت و قرابت و سابقه و جهاد سزاوار خلافت هستی. علی ﷺ در ادامه فرمودند: ای مهاجران خدای را در نظر داشته باشید و حق حاکمیت محمد ﷺ را از خانه و بیت او به خانه و بیت خود منتقل نکنید و خاندان او را از حق و مقام او دور نسازید... بشیر بن سعد گفت: اگر انصار این سخن را قبل از بیعت با ابوبکر از تو شنیده بودند هیچ کس با



تو مخالفت نمی‌کرد ولی چه می‌شود کرد که این‌ها بیعت کرده‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ابن قتیبه الدینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸).

با توجه به روشن بودن حقیقت مقام و منزلت علی علیه‌السلام و لیاقت وی برای خلافت مسلمین براساس سخنان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، برخی شیعیان در همان روزی که آنان را برای بیعت به مسجد بردند، به مناظره و استدلال با استفاده از کتاب و سنت پرداختند (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۶۱-۴۶۲). از جمله این افراد حضرت زهرا علیها‌السلام بودند. ایشان با رفتن به مسجد و خواندن خطبه‌ای به احتجاج با غاصبان حق علی علیه‌السلام و میراث فدک پرداخته و فرمودند:

«هنوز جسم شریف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قبر مستقر نشده بود که حریصانه آشوب کردید و اعمال خود را جلوگیری از فتنه می‌پنداشتید، بدانید که این مردم هنگام امتحان باختند و جایگاه مردم کافر جهنم است، این اعمال از شما به دور است و جای چه عجب است، و چگونه دروغ می‌گوئید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شما است، قرآنی که ظاهر و احکامش روشن و حقایق آن آشکار و نواهی آن واضح و اوامرش صریح است... شما به بهانه‌های واهی اهداف شوم خود را به اجرا گذاشته و در واقع به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خیانت و ستم نموده و هر چه خواستید کردید، و ما در مقابل شما صبر می‌کنیم، همچون صبر در برابر تیزی و برش‌کارد و طعنه نیزه‌ها» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۹۷ تا ۱۰۰).

همچنین در ادامه این اعتراضات عبدالله بن عباس<sup>۲</sup> و دیگر پیروان علی علیه‌السلام بارها به مناظره با ابوبکر و عمر پرداختند.<sup>۳</sup> سلمان فارسی نیز هنگامی که به «عمر» و «خالد بن سعید بن العاص» در مورد صلاحیت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام برای جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مناظره پرداخت؛ به آنها گفت: کردید و نکردید (المقدسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۳۶).



به مرور زمان با توجه به انتقاد شیعیان عصر امام علی علیه السلام به رفتار سیاسی سقیفه در تغییر سرنوشت سیاسی جامعه، شیعیان در عصر دیگر ائمه علیهم السلام نیز به دفاع از این موضوع پرداختند تا به این طریق علاوه بر دفاع از شخصیت امامت به نشان دادن انحراف آن دوره زمانی پرداخته و در نتیجه دستگاه سیاسی حاکم وقت را نیز غیرقانونی و نامشروع جلوه دهند. چنان که بیشتر مناظرات میان شیعیان با مخالفان حول این محور بوده و در این خصوص هشام بن حکم (م ۱۷۹ق) بیشترین تلاش را انجام داده است. (المسعودی، ۱۰۴۹ق، ج ۴، ص ۱۰۵).

با آغاز انحرافات سیاسی در تاریخ مسلمانان و عدم لحاظ مشروعیت الهی برای تعیین خلیفه، بعد از شهادت امام حسن علیه السلام، بنی امیه و بعد از آن بنی عباس در تلاش بودند تا جایگاه خود را به عنوان خلیفه مسلمانان تثبیت کنند. و شیعیان نیز در مقابل تلاش می کردند با بیان ظلم آنان در حق خاندان رسالت علیهم السلام به بیان نامشروع بودن خلافت آنها و انحراف اینان از اسلام اشاره کنند. چنان که ابن عباس در مناظره با معاویه خطاب به وی می گوید:

اما این که به حکومت سست و بی پایه ای که با تردستی و تزویر به دست آورده ای افتخار می کنی، بدان که فرعون پیش از تو به حکومت و قدرت رسید و خداوند هلاکش نمود. خلافت حق خاندان رسالت است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵).

همچنین ابن عباس (م ۶۷ق) با روش بیان انگیزه معاویه و افراد پیرامون وی، به مناظره با عمرو بن عاص (م ۴۳ق) نیز پرداخت. او در این مناظره به عمرو بن عاص گفت:

اهل عراق با علی علیه السلام بیعت کردند و علی علیه السلام بهترین آنها بود و اهل شام با معاویه بیعت کردند و اهل شام از معاویه بهتر بودند. من به خوبی می شناسم چیزی که مرا از تو دور کرده و چیزی که تو را به معاویه نزدیک کرده است (البلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰۹).



در مناظره‌ای دیگر باتوجه به تبعید مالک اشتر نخعی و کمیل بن زیاد از سوی عثمان به کوفه و بعد از آن به شام، در مجلس معاویه، معاویه درصدد بود تا از این افراد برای خدمت به خویش استفاده کند اما آنها با استدلال به آیات الهی به نفی اطاعت از معاویه و عثمان پرداخته و فساد بنی‌امیه را بیان کردند (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳۷).

#### ب. زمینه‌های کلامی

اولین مسأله کلامی مورد بحث در مناظرات شیعیان، موضوع «اصل و نسب» خلیفه بود. زیرا براساس سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جانشیان بعد از ایشان به امر الهی دوازده نفر هستند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۶۲) و این‌ها طبق گزارش منابع تاریخی «اهل سنت» از طایفه قریشند (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۶، ص ۳). از همان آغاز، ابوبکر نیز به استناد حدیث «الائمة من قریش» به خلافت رسید.

اگرچه ابوبکر و دیگر تئورسین‌های سقیفه برای توجیه مسند خلافت به قریشی بودن خود استناد کردند اما شیعیان علی (ع) می‌دانستند که این حق از آن بنی‌هاشم است زیرا اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر قرابت با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای علم و مقام عصمت نیز هستند.

عمر (م ۲۳ق) در مناظره‌ای با ابن عباس خطاب به وی می‌گوید:

«قریش کراهت داشت از این که برای شما (بنی‌هاشم) هم نبوت و هم خلافت جمع شود و شما از این طریق افتخار کنید، بنابراین قریش این منصب را برای خود اختیار کرد و به نتیجه رسید (الازدی، ۱۳۶۵، ۱۶۹). ابن عباس در جواب عمر گفت: آیا اگر چیزی بگویم بر من خشم نمی‌گیری: عمر گفت، هر چه می‌خواهی بگویی بگو. ابن عباس در جواب گفت: اما کلام شما که گفتی قریش دوست ندارد که نبوت و خلافت در بین خاندان ما جمع شود؛ خداوند متعال می‌فرماید: این به خاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند از این رو خدا اعمال‌شان را حبط و نابود کرد<sup>۴</sup> و اما قول تو که ما به خلافت تکبر می‌کردیم، ما



قومی هستیم که اخلاق‌مان از اخلاق پیامبر ﷺ گرفته شده است، و خداوند متعال در مورد اخلاق پیامبر می‌فرماید: و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری<sup>۵</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.<sup>۶</sup>

ابوذر غفاری نیز در همان آغاز سقیفه بعد از حضور در مسجد، در مناظره‌ای با ابوبکر (م۱۳ق) و عمر به بیان انحراف ابوبکر و جانشینی او از سوی عاملان سقیفه با استنادشان به قرابت به رسول خدا ﷺ پرداخت و در این باره گفت:

«ای گروه قریش! شخص غریبی را به خلافت نشانده و قرابت پیامبر ﷺ را ترک نمودید، به خدا سوگند که جماعتی از خلق عرب به خاطر همین کار از دین اسلام خارج شده و در این دین دچار تردید خواهند شد و اگر خلافت را در اهل بیت پیامبرتان قرار داده بودید هرگز نزاعی رخ نمی‌داد، به خدا قسم که این امر مغلوب است و با این کار دیگر هر کسی به خلافت طمع ورزیده و چشم‌های مردم متوجه آن گشته و برای رسیدن به آن خونهای بسیاری ریخته خواهد شد.» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷۸).

همچنین پس از ماجرای سقیفه اصولی پایه‌گذاری شد که مقام خلیفه دیگر جایگاه الهی ندارد و هر کس خواه عادل و یا ظالم توانایی اداره جامعه را خواهد داشت. براساس همین اندیشه برخی از اندیشمندان اهل سنت معتقدند: «امامت» با «زور» و «غلبه» نیز حاصل می‌شود و نیاز به گزینش و عقد ندارد (التفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳ و ۲۳۴؛ الفراء الحنبلی، ۱۴۰۶، ص ۲۰) و یا این‌که در عقد امامت، «اتفاق آراء» شرط نیست، بلکه بدون آن نیز امامت، شکل می‌گیرد (الجوینی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲۴). اما برخی همانند «ابوبکر باقلانی» معتقد است که در امامت چند شرط کافی است: اول آن که «قرشی» باشد، دوم آن که در حدّ یک قاضی علم داشته باشد و دیگر آن که به امر جنگ و تشکیل سپاه و رتق و فتق امور مسلمانان بپردازد (الباقلانی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۱).





این نوع نگرش غیرالهی به مسأله جانشینی و انتخاب خلیفه بر دیگر محورهای این موضوع همانند وظایف و اختیارات جانشین و ویژگی‌های امام و حاکم اسلامی نیز تأثیر داشت. براساس گزارش «شهرستانی» در «ملل و النحل» در همان زمان، قائلین به انفاقی و اختیاری بودن امامت و قائلین به نصب و تعیینی بودن امام وجود داشت (شهرستانی، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۲۸). چنان‌که در تعاریف موجود از سوی اهل سنت، درباره شخص امام و خلیفه و ویژگی‌های او، بنابر گزارش قاضی عبدالجبار، برخی معتقدند که امت مسلمان در آموزش و کسب معارف و احکام اسلامی نیازی به امام ندارند و به عبارت دیگر نیازی نیست که امام عالم به علوم اسلامی در حد عالی باشد (عبدالجبار بن احمد، ۱۴۰۸ق، صص ۷۵۰ و ۷۵۱). اما خود قاضی عبدالجبار معتزلی برخلاف این گروه معتقد است که امام امت باید دارای سه شرط عمده همانند «علم»، «عدالت»، «پارسایی» و «شجاعت» باشد (همان). و بنابر گفته مرحوم «لاهیجی»<sup>۷</sup> با دقت و بررسی تعریف علمای شیعه و سنی درباره واژه امام، ریاست در امور دینی لامحاله موقوف است به معرفت امور دینیه، بالضروره و ایشان (اهل سنت) عادل بودن امام را شرط نمی‌دانند (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۶۲).

شیعیان نیز با توجه به این انحراف و نقش آن در انحراف عقیدتی و بهره‌برداری سیاسی از این اندیشه توسط دستگاه حاکم، به مناظره با مخالفان و به بیان ضرورت وجود امام، مصداق حقیقی امام جامعه، نحوه انتخاب، و شرایط و ویژگی‌ها و وظایف او می‌پرداختند. مناظرات هشام بن حکم (م ۱۷۹ق) با «عمر بن عبید» (م ۱۴۴ق) درباره اضطرار به حضور حجت خدا در روی زمین (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۰) و مناظره وی با «ضرار ضبی» (علم‌الهدی، ۱۴۱۳، ص ۲۸ و ۲۹)، بحث‌های «علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم تمّار» از متکلمان شیعه با «ابوالهذیل» و «نظام» (م ۲۳۰ق) (نجاشی،



۱۴۱۶ق، ص ۲۵۱) درباره ویژگی‌های امامت و مناظره «مؤمن طاق» با «ابن ابی‌حذر» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۸) و دیگر مناظرات موجود درباره راه تعیین امام، علم، عصمت و مقام امامت و وظایف امام جامعه، از نمونه‌هایی است که شیعیان با توجه به دیدگاه کلامی خود به دفاع از علی بن ابی‌طالب علیه السلام و یازده فرزند از نسل اوست پرداخته‌اند.

### ج. زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی

با توسعه اسلام به سرزمین‌های مفتوحه، درآمد مسلمانان از طریق غنائم و غیر آن، زیاد شد. این درآمدها به عنوان «بیت‌المال» جامعه اسلامی تلقی می‌گردید و پیامبر صلی الله علیه و آله سعی می‌کرد حقوق مسلمانان را به عدالت از آن پرداخت کند. با روی کار آمدن ابوبکر (م ۱۳ق) همین روش وجود داشت و در دوران خلافت وی، رسم بر این بود که وقتی مالی می‌رسید، آن را به مسجدالرسول می‌بردند و به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کردند (ابویوسف، ۱۴۲۰ق، ص ۴۲). اما عمر بن الخطاب (م ۲۳ق)، با این گونه تقسیم مخالفت کرد و معتقد بود باید در تقسیم اموال بین سابقین در اسلام و متأخران، بین احرار و بردگان و بین زن و مرد فرقی باشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ق، ج ۱۲، ص ۲۱۴). اگرچه او بعداً اظهار ندامت کرد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۴).

پس از عمر «عثمان» (م ۳۵ق) نیز به همین روش ادامه داد. سهل انگاری‌های عثمان پس از عمر و آزاد گذاشتن برخی از صحابه در تملک بعضی از اراضی موجب شد تا مساوات و عدالتی که مبنای کار پیامبر صلی الله علیه و آله بود از بین مسلمانان رخت بریندد. عثمان نه تنها سیاست اختلاف در تقسیم عطایا را که عمر وضع کرده بود ادامه داد بلکه بر مقدار مقرری‌ها نیز افزود. وی با بذل و بخشش‌های بی‌جا و زیاد به خویشاوندان و کسانی که غالباً از ثروت چیزی کم نداشتند تحت عنوان حقوق خلافت موجب شد تا «ابوذر غفاری» و دیگر یاران علی بن ابی‌طالب علیه السلام به انتقاد از حکومت بپردازند (همان، ص ۱۷۲). «عمّار بن



یاسر» نیز به مناظره و نصیحت وی پرداخت و از او خواست تا به نامه معترضان وی توجه کند اما عثمان علاوه بر بی‌توجهی به عمّار و متهم کردن او به دروغ‌گویی دستور به ضرب و شتم وی داد (ابن اعثم الکوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۷۳).

یعقوبی در گزارشی مناظره ابوذر با عثمان را چنین نقل می‌کند:

«ابوذر بعد از برگشت از شام در اعتراض به رفتار عثمان گفت: از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرمودند: هرگاه شمار بنی‌امیه به سی مرد برسد سرزمین‌های خدا را چون ملک شخصی زیر فرمان و بندگان خدا را چاکران و دین خدا را دغل‌بازان می‌گیرند. عثمان به وی گفت: تو دروغ می‌گویی! عثمان علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را فراخواند تا بداند حرف او راست است. علی علیه‌السلام در دفاع از ابوذر فرمودند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند راست‌گوتر از ابوذر در دنیا وجود ندارد.» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۲).

روند انحرافات اقتصادی و اجتماعی از دوره خلفا شروع شد؛ اما سیر خود را ادامه داد و سالیان سال بر جامعه اسلامی سایه افکند و شیعیان به گونه‌های مختلف به تلاش برای مبارزه با آن پرداختند. تلاش ابوذر و دیگر شیعیان در بیان مسیر انحراف خلفا در قالب مناظره و دلیل‌آوری یکی از راه‌های مبارزه با این انحراف بود که اثر خود را در بیداری جامعه با تشکیل قیام‌های شیعیان گذاشت.

#### د. به وجود آمدن فرقه‌ها و مذاهب

آغاز فرقه‌گرایی در اسلام را باید از روزی دانست که مسلمانان در یک صف‌بندی کاملاً متمایز به مناقشه بر سر موضوع امامت و رهبری جامعه پرداختند (البغدادی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰؛ الاشعری القمی، ۱۹۶۳م، ص ۳). آنان علاوه بر اختلاف خویش دربارهٔ مصداق جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در شأن و ویژگی‌های او نیز به مشاجره پرداختند. عالمان و فرقه‌شناسان اسلامی شرط اصلی تمایز فرقه اسلامی از غیراسلامی را در اقرار به «شهادتین» و پذیرش



فی الجمله آموزه‌های پیامبر ﷺ می‌دانند و بر این اساس، متکلمان، «غلو»، «اباحی‌گری» و قول به «تناسخ» و دشمنی با نبوت را خروج از ملت اسلام تلقی می‌کنند (البغدادی، ۱۴۱۷ق، صص ۱۷ و ۱۸).

در دوره خلافت ابوبکر، با مرتد شدن عده‌ای از مردم شبه جزیره و ظهور مدعیان پیامبری (الاشعری قمی، ۱۹۶۳م، ص ۴)، برای اولین بار ضرورت تعریف کامل «ایمان» احساس شد تا روشن گردد یک فرد با رعایت چه اصولی «مؤمن» و مسلمان واقعی است و با ارتکاب چه گناهی در زمره «مرتدان» و کفار خواهد بود. این مسأله پس از کشته شدن عثمان و بعد از ماجرای حکمیت در جنگ صفین اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت و پس از آن، بحث «مرتکب گناه کبیره» مطرح گردید (همان، ص ۱۲ و ۱۳؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۸۸). طرح این موضوع از سوی خوارج، که آیا مرتکب گناه کبیره مؤمن است یا کافر، باعث تحولات عمده‌ای در زمینه مباحث کلامی شد؛ زیرا بعدها هر یک از فرق اسلامی درباره این موضوع و مباحث پیرامون آن به بحث و مناظره پرداخته، نظرات مختلفی را ارائه کردند.

با روی کار آمدن عمر، اندیشه «حسبنا کتاب الله» مطرح شد (ابن حجر، بی‌تا، ج ۱ ص ۱۸۶ و ج ۸ ص ۱۰۲؛ النوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۹۰). علاوه بر این، برخی از صحابه با وجود قرآن و سنت، احکام را صرفاً براساس «مصلحت‌گرایی» مطرح می‌کردند. شاید عبارت «ابوجعفر نقیب» روشن‌ترین عبارتی باشد که یک سنی معتدل در این باره ابراز نموده است. او می‌گوید: «صحابه به طور متحد و یکپارچه بسیاری از نصوص (کلمات رسول خدا ﷺ) را ترک کردند و این به دلیل مصلحتی بود که در ترک آن تشخیص می‌دادند.» (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۸۲)



با رواج فرق و پیدایش مذاهب مختلف فکری، کلامی و فقهی و ایجاد شکافی عظیم در پیکره فکری اسلام به ویژه ظهور فرقه‌های خوارج، کیسانیه، مرجئه، جبریه، معتزله<sup>۱</sup> و دیگر فرقه‌ها، شیعه در شرایط نوینی قرار گرفت که در اصول و فروع علاوه بر استناد به قرآن و سنت نبوی، گاهی در مقابل معتزله به استدلال‌های عقلی نیز استناد می‌کرد (ابوزهره، بی‌تا، مقدمه کتاب و ص ۱۸). این دوره که دوره اوج‌گیری احتجاجات و مناظرات مذهبی بود با امامت امامین صادقین علیهم‌السلام هم‌زمان گردید. شیعه در این دوره ناچار بود با فرق مختلف از جمله اصحاب حدیث و سنت و همچنین معتزله، مناظره کند و دعای آنها را پاسخ دهد؛ اما این کار به علت مدون نبودن احادیث شیعه در ابتدا چندان آسان نبود؛ اما با تدوین حدیث شیعه مبارزه و مناظرات شیعیان با قوت بیشتری استمرار یافت.

#### زمینه‌های پیدایش فرقه‌ها و مذاهب و موضوعات مناظرات

پژوهشگران، پیدایش و توسعه و دسته‌بندی‌های مسلمانان را به عوامل مختلف بیرونی و درونی و یا طبیعی و غیرطبیعی و گاه داخلی و خارجی تقسیم کرده‌اند، چنین پدیده‌ای را در مجموع ناشی از اسباب متعدد نفسانی، فکری، اعتقادی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی دانسته‌اند (همان، ص ۱۱ تا ۱۸). این عوامل فراگیر به ترتیب اهمیت عبارتند از:

#### الف. تحولات سیاسی-اجتماعی:

برخی انگیزه‌های سیاسی را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری فرقه‌های اسلامی در قرون نخستین دانسته و عوامل دیگر را فرعی و تحت‌الشعاع آن قلمداد می‌کنند (سامی‌النشار، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۵؛ الاشعری القمی، ۱۹۶۳م، ص ۳؛ البغدادی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰). عده‌ای دیگر ساختار و جوهره فرقه‌های بزرگ اسلامی را در قرون نخست از نوع



جنبش‌هایی می‌دانند که ابتدا با انگیزه‌های سیاسی آغاز شد و بعدها رنگ و بوی مذهبی و فلسفی به خود گرفت (صبحی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۸۹؛ ابوزهره، بی‌تا، ص ۱۹).

#### ب. منع نوشتن حدیث:

منع نوشتن حدیث و سیره پیامبر ﷺ و خاندان او باعث شد تا زمینه انحراف و پیدایش فرق بیشتر فراهم گردد. طبق نقل مسند احمد بن حنبل و بعضی دیگر، عمر در زمان خلافت خود، بخش‌نامه کرده بود که نگارش حدیث ممنوع است (ابن سعد الهاشمی البصری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۴۳). منع تدوین و نشر احادیث پیامبر اکرم ﷺ پس از فوت دو خلیفه نخست به صورت محدودی تعقیب شد؛ در عصر عثمان تنها به روایاتی اجازه نشر داده شد که در عصر دو خلیفه نخست شنیده شده بود (همان، ج ۲، ص ۲۵۶). این ممانعت تا عصر عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) به صورتی جدی ادامه داشت و نشانه تقدس و احترام به قرآن بود (الدارمی، ۱۳۴۹ق، ج ۱، ص ۱۲۵).

#### ج. تعامل دنیای اسلام با کشورهای فتح شده:

با توسعه فتوحات و اسلام آوردن بسیاری از صاحبان دیگر ادیان و مکاتب و نیز رفت‌وآمد مسلمانان با غیرمسلمانان، تأثیر متقابل فرهنگی و دینی و اجتماعی امری طبیعی می‌نمود. این تعامل علاوه بر فتوحات سرزمین، در دوره نهضت ترجمه نیز با ترجمه منابع مختلف نقش مهمی در آشنایی مسلمانان با افکار و عقائد دیگر سرزمین‌ها داشت. از طرفی رسوبات فکری تازه مسلمانان و تبلیغات دینی غیرمسلمانان زمینه بروز افکار و اندیشه‌های جدید را فراهم آورد. از سویی دیگر اختلاف طبایع و تنوع بافت اجتماعی مسلمانان پیامدهای مهمی در حیات فکری، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آنان داشته و مهم‌ترین نتیجه آن اختلاف روش‌های فکری و سلوکی مسلمانان و نزاع عقل و نقل و اهتمام آنان به این دو عنصر بوده است (شبلی نعمانی، ۱۳۲۸ق، ج ۱، ص ۱۰). از این‌رو بسیاری از



پژوهشگران ضمن تفکیک عوامل پیدایی فرقه‌ها به درونی و بیرونی، روابط و تعامل فرهنگی و اجتماعی مسلمانان با صاحبان ادیان و مکاتب را یکی از عوامل مهم بیرونی تشکیل فرق برشمرده و در تبیین آن از تأثیرگذاری صاحبان ادیان و مکاتب سخن به میان آورده‌اند (احمد امین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۲).

با توجه به ارتباط دنیای اسلام با سرزمین‌های مفتوحه و روند تعامل بین آنها بستری فراهم شد تا افکار مختلف فکری و عقیدتی به سرزمین‌های اسلامی رسوخ کند. با اختلاف عقائد هر دو گروه میزبان و میهمان و روند رشد افکار غیراسلامی در میان مسلمانان و فرقه‌ها، فضایی فراهم شد تا مکاتب مختلف به مناظره بر سر دین اسلام بپردازند. و البته شیعیان در این مهم نقش برجسته‌ای داشته‌اند. بنا بر گزارش «شیخ صدوق» در کتاب «التوحید» یکی از سران نصرانی به نام «بُریهه» به منظور یافتن پاسخ برای مسایل اعتقادی خویش با پرس‌وجو به جناب هشام بن حکم معرفی می‌شود. او در این دیدار خواهان مناظره با وی شد (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۷۱).

#### د. شکل‌گیری مذاهب:

روشن است که رفتار ابوبکر، عمر و عثمان به عنوان جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقش اساسی در شکل‌گیری گروهی به نام «اهل سنت» داشت؛ زیرا خلیفه جایگاهی معنوی داشت و دستورهای او در زمینه‌های مختلف برای مردم به یک سیره شرعی تبدیل شده و مردم به آن عمل می‌کردند. بعدها پیروان فکری و فقهی خلفا به گروه‌های دیگری در قالب مذاهب چهارگانه تقسیم شدند که مروج سیره و سنت‌های آنان بودند. با شکل‌گیری مذاهب مختلف در درون اهل سنت و پایه‌ریزی افکار و آداب و سنن این مذاهب توسط شخصیت‌های فکری همانند ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) و مالک بن انس، مناظرات درون مذهبی و برون مذهبی نیز آغاز شد (ابن خلدون، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۹۳۰).



### اختلاف برداشت از آموزه‌های دینی:

یکی دیگر از عوامل اصلی رشد مجادلات و مناظرات کلامی و در پی آن، متمایز شدن فرقه‌ها از یکدیگر، اختلاف برداشت صاحبان اندیشه‌های مختلف از «قرآن» و «سنت» بوده است. البته نمی‌توان از نقش اساسی این دو منبع دینی در پیدایش اولیه فرقه‌های نخستین (خوارج، مرجئه و معتزله) و ظهور آنها سخن به میان آورد، اما می‌توان مدعی شد که هیچ یک از این فرقه‌ها بعد از ظهور و تمایز ابتدایی خود، نمی‌توانستند بدون تمسک به قرآن و حدیث - هرچند ناصحیح و بدون ضابطه - به حیات فکری و نفوذ اجتماعی خود ادامه بدهند. مرام‌نامه‌های فرقه‌ای و رسائل به جا مانده از صاحبان فرقه‌ها درباره موضوعاتی چون: خدا، صفات خدا، جبر و اختیار، قضا و قدر، رؤیت خدا و خلق قرآن (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۰۱)، شاهد این مدعا است که برخی از فرقه‌ها در پی استناد به قرآن و حدیث در اثبات سخن خویش بودند. خوارج، قرآن را براساس فهم ساده و اجتهاد ناقص خویش تفسیر می‌کردند (الاشعری، ۱۴۰۰، ج ۱، صص ۴۰، ۱۲۷ و ۱۳۱). آنان برای تثبیت افکار و گرایش‌های فکری، سیاسی و مذهبی خویش به ظواهر قرآن تمسک می‌کردند. بارزترین اعتقاد آنان تکفیر اهل معصیت با استناد به قرآن بود و بر همین اساس مخالفان خود را کافر می‌دانستند (الاشعری القمی، ۱۹۶۳، ص ۵؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۷).

### محورهای کلامی اختلاف فرقه‌ها و مذاهب اسلامی:

با نگاهی گذرا به تاریخ و عقاید فرقه‌ها و مذاهب اسلامی و اندیشه‌های کلامی مطرح در قرون نخست، می‌توان سیر تدریجی اختلافات را بر سر مسائلی از این قبیل دانست: «خلافت و رهبری» و ویژگی‌های آن، «قضا و قدر» و «جبر و اختیار»، «ایمان و کفر»، «صفات الهی»، «حدوث و قدم قرآن»، «رؤیت خدا»، «امر به معروف و نهی از منکر»،





«مصادر شناخت» دین و احکام شریعت و «خروج» و یا «عدم خروج» بر «حاکم» و برخی مسایل دیگر دانست (شهرستانی، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۵). اغلب اختلافات و انشعابات فکری و تمایزات فرقه‌ای و نزاع‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی فرقه‌ها و مناظرات گروه‌های فکری مربوط به این قبیل مسایل و موضوعات بوده است. «ابن‌حزم اندلسی» معیار خروج و یا انتساب به هر یک از این فرقه‌ها را ردّ و قبول ویژگی‌های متمایزکننده هر یک از گروه‌ها می‌داند (ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۶۹ و ۲۷۰).

#### ترویج افکار انحرافی:

با روی کار آمدن دستگاه ظالمانه اموی و عباسی و رشد فرقه‌های فکری و عقیدتی که گاهی خود این قدرت‌ها آنان را ساخته و یا ترویج می‌کردند، افکار و عقاید خلاف شرع و عقل ترویج می‌یافت. فضایی که فرقه‌هایی چون خوارج، مرجئه، قدریه، کیسانیه و گروه‌هایی از غلات به طور رسمی فعالیت داشتند.

از جمله اقدامات اشخاص سرشناسی همانند «معاویه» و دیگر رهبران فکری عاملی شد تا عقاید انحرافی آنان علاوه بر تبلیغ رفته رفته تبدیل به مکتب فکری شود. چنان‌که رفتار «ابوحنیفه» (م ۱۵۰ق) در ترویج قیاس و رفتار معاویه در دفاع از جانشینی «یزید» در مقابل مردم مدینه با استناد به «قضا و قدر الهی» مسیر انحرافی بزرگ را هموار کرد. زمانی عایشه، همسر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از معاویه بازخواست کرد که چرا بیعت فرزند خود، یزید، را بر مردم تحمیل می‌کنی؟ در پاسخ گفت: «قضا و قدر الهی است و بندگان درباره آن از خود اختیار و اراده‌ای ندارند.» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۵) «عبدالله بن عمر» نیز وقتی در مورد یزید به معاویه اعتراض کرد معاویه به او گفت: «من تو را از این که وحدت مسلمانان را برهم بزنی و خونریزی در میان آنان به راه‌اندازی باز می‌دارم. خلافت فرزندم یزید، قضای الهی است و بندگان در آن اختیاری ندارند» (همان، ص ۲۱۰).



بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دگرگونی در سنت نبوی با تغییر سیره و روش رفتاری در ابعاد مختلف آن و احکام الهی رواج یافت. خلفا براساس توجیه مصلحت و اجتهاد شخصی به این امر اقدام می‌کردند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۲). بنابر گزارش منابع، عمر حتی بر خلاف سیره ابوبکر برخی از احکام الهی را تغییر داد؛ از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر در سنت متعه (همان) با حرام دانستن آن و نحوه طلاق همسر اشاره کرد. او اگر کسی یک‌باره زنش را در یک مجلس سه طلاقه می‌کرد، آن را سه طلاق می‌دانست (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۳). پیروان فکری خلفا نیز با ترویج و تبلیغ این رفتارها (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۷۹؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۳۰) توانستند با بیان جایگاه شرعی رفتار خلیفه سنت‌های الهی را تغییر دهند.<sup>۹</sup> این انحرافات در زمینه مباحث فقهی زمینه‌ای بود تا شیعیان به اصلاح این رفتار و بیان گزاره‌های حقیقی در حوزه فقه بپردازند. مناظرات اندیشمندان شیعه از جمله عبدالله بن عباس با ابن‌زبیر درباره متعه و مؤمن طاق با ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) درباره طلاق ثلاثه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۳۰) از جمله اقداماتی است تا با بیان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله حقیقت شریعت به فراموشی سپرده نشود (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۲۶).

### تخریب شیعه

یکی دیگر از زمینه‌های شکل‌گیری مناظرات، اقدامات سیاسی دستگاه حاکم با انگیزه تخریب چهره علمی و معنوی شیعه بود. اقدامات آنان با تخریب چهره ائمه علیهم‌السلام آغاز شد (همان، ص ۳۷). آنان با دعوت از افراد متکلم و مبلغان مذاهب مختلف برای تخریب و یا سنجش توانایی علمی امامان شیعه صورت می‌گرفت. به عنوان مثال: مأمون عباسی تمامی علمای مذاهب سرزمین اسلامی را برای مناظره با امام رضا علیه‌السلام دعوت کرد تا از این طریق بتواند به اهداف خود برسد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۱۷).



دستگاه خلافت به فکر افتاد، در زمینه تخریب چهره علمی و معنوی، علاوه بر امامان شیعه به خود شیعیان نیز این فشار را تحمیل کند. به عنوان نمونه می‌توان به موارد مناظرات هشام بن حکم (م ۱۷۹ق) اشاره کرد که هارون الرشید و یا یحیی بن خالد برمکی منحرفان فکری و مخالفان شیعه را تقویت و از هشام به عنوان عالم شیعه می‌خواستند با آنان به مبارزه پردازد. گاهی نیز این مناظرات میان خود هشام و یحیی برگزار می‌گردید (علم‌الهدی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۹).

بزرگترین واقعه تاریخی و اولین رویداد مهم اعتقادی در تاریخ اسلام واقعه غدیر خم است. واقعه‌ای که در آن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امر پروردگار به نصب جانشینی که در همه امور توانایی دارد اقدام کرد. فردی که باید معصوم، عالم، مدیر، مربی، و هادی جامعه باشد. فراموشی این رویداد تاریخی از سوی افرادی که با برنامه قبلی اقدام به چنین کاری می‌کنند ریشه شیعه را خشک می‌کند. به همین خاطر در بیشتر مناظرات، ائمه علیهم‌السلام با افراد و گروه‌های مختلف، علاوه بر تأکید به وجود اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان نور الهی و تعیین آنها از سوی پروردگار به واقعه غدیر خم و غضب حق امام علی علیه‌السلام نیز تأکید می‌نمودند. شیعیان نیز باتوجه به همین روند به دفاع از این واقعه کلیدی تاریخ تشیع پرداخته و از تحریف آن توسط افراد منحرف جلوگیری می‌کردند تا از این طریق حقایق را به گوش همگان برسانند و حتی مخالفان را وادار به اصلاح افکار خود کنند. مناظرات «مؤمن طاق» با «ابوالهذیل علف» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸۳) و ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) (شیخ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۲۶)، «علی بن میثم» و «هشام بن حکم» (م ۱۷۹ق) با ضرار بن عمرو ضبی (علم‌الهدی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰) نمونه‌هایی است که شیعیان به مبارزه با افکار آنان پرداخته و به تبیین حقیقت تاریخ تشیع پرداختند (شیخ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۲۶؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰).



آنچه بیان شد بررسی برخی از زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری فرقه‌ها در آغازین مراحل رشد اسلام بود. که اگر با دقت بیشتری به این مسأله نگاه شود شاید بتوان موارد بیشتری را هم استخراج کرد. به هر روی این عوامل نقش مهمی در شکل‌گیری فرقه‌ها و به دنبال آن شکل‌گیری موضوعات مناظرات شیعیان با دیگر فرق و مذاهب داشته است.

### نتیجه

در بررسی زمینه‌های شکل‌گیری مناظرات شیعیان امامیه در عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام، روشن گردید که با آغاز انحرافات سیاسی و تغییر نظام سیاسی اسلام، شیعیان به این نتیجه رسیدند تا با این انحراف به مبارزه بپردازند. با قدرت گرفتن جریان انحرافی و ورود آن به دیگر حوزه‌ها، شیعیان نیز با بهره‌گیری از دانش مناظره و تشویق ائمه به مناظره پرداختند. عمده اهداف شیعیان در دوران خفقان سیاسی و اجتماعی، تبیین حق و دفاع از باورهای شیعه و بهترین نتیجه آن ماندگاری اعتقادات شیعه در طول تاریخ و بیان عدم مشروعیت نظام خلفا و خاندان بنی‌امیه و بنی‌عباس بود.



## پی‌نوشت‌ها

۱. قابل توجه آن که در این پژوهش به دلیل اختصار تنها به مناظرات لفظی پرداخته می‌شود.
۲. ابن عباس؛ از افراد سرشناس شیعه است که در علم تفسیر و تاریخ روایات بسیاری از وی رسیده است و موضع وی در دوران طولانی عمر خود نشان از ارادت وی به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد به خصوص مناظراتی که از ایشان در این پژوهش نقل شده بر این نکته تأکید دارد. ابن حجر در کتاب الاصابه درباره علم و فضیلت‌های وی روایاتی را نقل نموده است (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، صص ۱۲۲، ۱۲۴ و ۱۳۱).
۳. فضل بن عباس که زبان قریش بود گفت: ای گروه قریش با اینکه اهل خلافت ماییم نه شما و سرور ما از شما به آن سزاوارتر است، با شبهه کاری، خلافت برای شما راست نگردد و عتبه بن ابی لهب برخاست و گفت: گمان نمی‌کردم که امر (خلافت) از بنی هاشم و در میان ایشان از ابوالحسن بگذرد، از کسی که از همه مردم در ایمان و سابقه پیشتر و به قرآن و سنتها داناتر است، آخر کسی که پیامبر را دید و کسی که در غسل دادن و کفن کردن (پیامبر) جبرئیل یورش بود، کسی که آنچه در آنها است در او هست و خود آنان را در این شبهه‌ای نیست، لیکن آنچه از نیکی در اوست، در دیگران نیست (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴).
۴. «ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/ ۹)
۵. «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/ ۴)
۶. «وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۲۱۵)
۷. مرحوم لاهیجی از علمای شیعه دوره صفویه و داماد ملاصدرای شیرازی است.
۸. معتزله به استدلال و ادله عقلی اتکا داشتند و با شیوه استدلالی مجادله می‌کردند.
۹. تفکر بسیار خطرناکی که در زمان امامت امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام تولد یافت و زمینه بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات گردید، مسأله عمل به قیاس (مقایسه احکام خداوند با یکدیگر) و استحسان در مقابل نص و عمل به عقل بود (الحرالعاملی بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۷، ۲۱ و ۲۳).



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۷۸ش) ترجمه عبدالمحمد آیتی، (چ سوّم)، قم، فرهنگ اسلامی.
۱. ابن ابی‌الحدید، (بی‌تا) شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
  ۲. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۸۵ق) الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
  ۳. ابن اعثم الکوفی، أبو محمد أحمد، (۱۴۱۱ق) الفتوح، تحقیق علی شیری، (ط الأولى)، بیروت، دارالأضواء.
  ۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق) فتح الباری، تحقیق عادل احمدی، (ط الاولى)، بیروت.
  ۵. \_\_\_\_\_ (بی‌تا) فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و النشر.
  ۶. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، (۱۴۱۶ق) الفصل فی الملل و الامواء و النحل، تحقیق محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارجیل.
  ۷. ابن خلدون، عبد الرحمن بن خلدون، (۱۴۰۸ق) دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تاریخ ابن خلدون؛ تحقیق خلیل شحادة، (ط الثانية)، بیروت، دار الفکر.
  ۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ش) مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، (چ هشتم)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
  ۹. ابن سعد الهاشمی البصری، محمد بن سعد بن منیع، (۱۴۱۰ق) الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، (ط الأولى)، بیروت، دارالکتب العلمیة.
  ۱۰. ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد، (۱۴۰۹ق) العقد الفريد، تحقیق علی شیری، (ط الاولى)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
  ۱۱. ابن قتیبه الدینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۰ق) الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، (ط الأولى)، بیروت، دارالأضواء.



۱۲. ابن ندیم بغدادی، محمدبن اسحاق، (بی‌تا) *فهرست ابن ندیم*، تحقیق رضا تجدد، مؤسسه آل‌البیت.
۱۳. ابوزهره، محمد، (بی‌تا) *المذاهب الاسلامیه*، قاهره، دارالفکر العربی.
۱۴. ابویوسف، (۱۴۲۰ق) *الخراج*، مصر، المكتبه الازهریه للتراث.
۱۵. احمد امین، (بی‌تا) *ضحی الاسلام*، (ط العاشره)، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۶. الاحمدی المیانجی، علی، (۱۴۱۶ق) *مواقف الشیعہ*، (ط الاولى)، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. الازدی، الفضل بن الشاذان، (۱۳۶۵ش) *الایضاح*، تحقیق السید جلال‌الدین الارموی، (ط الاولى)، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. الاشعری، ابی‌الحسن علی بن اسماعیل، (۱۴۰۰ق) *مقالات الاسلامیین*، تصحیح هلموت ریتر، فرانز شتاینر، (ط الثالثه).
۱۹. الاشعری القمی، سعدبن عبدالله ابی‌خلف، (۱۹۶۳م) *المقالات و الفرق*، تصحیح محمدجواد مشکور، طهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
۲۰. الباقلانی، ابی‌بکر محمدبن الطیب، (۱۴۱۴ق) *تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل*، تحقیق عمادالدین احمد حیدر، (ط الثالثه)، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه.
۲۱. البغدادی، عبدالقاهر، (۱۴۱۷ق) *الفرق بین الفرق*، تعلیق ابراهیم رمضان، (ط الثانيه)، بیروت، دارالمعرفه.
۲۲. البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷ق) *کتاب جمل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، (ط الأولى)، بیروت، دارالفکر.
۲۳. التفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق) *شرح المقاصد*، تحقیق ابورحمان عمیره، (ط الاولى)، قم، منشورات شریف رضی.
۲۴. الجوینی، عبدالملک، (۱۴۱۶ق) *الارشاد فی الکلام*، تحقیق اسعد تمیم، (ج سوّم)، بیروت، مؤسسه الثقافیه.
۲۵. الحر العاملی، محمدبن حسن بن علی، (بی‌تا) *وسائل الشیعہ*، تحقیق الشیخ محمد الرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. الدارمی، عبدالله بن بهرام، (۱۳۴۹ق) *سنن الدارمی*، دمشق، مطبعه الاعتدال.
۲۷. سامی النشار، علی، (بی‌تا) *نشأة الفکر الفلسفی فی الاسلام*، (ط الثامنه)، القاهره، دارالمعارف.



۲۸. شبلی نعمانی، محمد، (۱۳۲۸ش) *تاریخ علم کلام*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، رنگین.
۲۹. شهرستانی، عبدالکریم بن ابی بکر، (۱۳۹۶ق) *الملل و النحل*، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه.
۳۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، (۱۳۶۲ش) *الخصال*، (ج اول)، قم، جامعه مدرسین.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ش) *کمال السدین و تمام النعمه*، (ج دوم)، تهران، اسلامیه.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ق) *التوحید للصدوق*، (ج اول)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق) *اختیار معرفه الرجال*، تصحیح میرداماد، قم، مؤسسه آل البیت.
۳۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق) *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، (ج اول)، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۵. صبحی، احمد محمود، (۱۴۰۵ق) *فی علم الکلام*، بیروت، دارالنهضة العربیه.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق) *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق خراسان، (ج اول)، مشهد، مرتضی.
۳۷. الطبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق) *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، (ط الثانية)، بیروت، دار التراث.
۳۸. عبدالجبار بن احمد، (۱۴۰۸ق) *شرح الاصول الخمسه*، تحقیق عبدالکریم عثمان، (ط الثانية)، مکتبه وهبه.
۳۹. علم الهدی، سید مرتضی، (۱۴۱۳ق) *الفصول المختاره*، (ج اول)، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۰. الفراء الحنبلی، ابویعلی محمد بن الحسین، (۱۴۰۶ق) *الاحکام السلطانیه*، مرکز النشر مکتب الاعلام السلامی.
۴۱. قیاض لاهیجی، ملا عبدالرزاق، (۱۳۷۲ش) *گوهر مراد*، تصحیح زین العابدین قربانی لاهیجی، (ج اول)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ش) *الکافی*، (ج دوم)، تهران، اسلامیه.





۴۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق) بحارالانوار، (ط الثانية)، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۴۴. المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، (۱۴۰۹ق) مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، (ج دوم)، قم، دارالهجرة.
۴۵. مسلم نیشابوری، (بی‌تا) صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۴۶. المقدسی، مطهر بن طاهر، (بی‌تا) البدء و التاریخ، تحقیق بور سعید، مکتبه الثقافة الدینیة.
۴۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، (۱۴۱۶ق) رجال نجاشی، (ج پنجم)، قم، حوزه علمیه قم.
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، (بی‌تا) تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی